

چهاردهمین منبر محرم 1443؛ موضوع: رصد فعالیت های امام سجاد علیه السلام از زمان حادثه عاشورا تا

زمان شهادت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيّاً و حَافِظاً و قَائِداً و ناصِراً و دليلاً و عَيْناً حَتَّى تُسَجِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً و تُمتَعَهُ فِيهَا طويلاً

جهت تعجيل در ظهورش و سلامتی وجود نازنینش از هر گزندی صلوات ختم بفرمایید...

مطابق نقلی که در تاریخ هست امشب شب دوازدهم محرم مطابق با شب شهادت امام سجاد علیه السلام است از این که فرصتی ایجاد شده، خدا را شاکرم ...

اگر عاشورا را سال 60 حساب کنیم (بنابر شروع سال قمری از ربیع الاول)، شهادت امام سجاد سال 94 یا 95 و 99 هم گفته اند ... ظاهر ا کسانی که حادثه عاشورا را سال 61 حساب کردند (بنابر شروع سال قمری از محرم)، شهادت امام سجاد را سال 95 محاسبه کرده اند اما کسانی که معتقدند حادثه عاشورا سال 60 هجری بوده است، شهادت امام سجاد را سال 94 محاسبه کرده اند....

به هر صورت امام سی و چهارسال بعد حادثه کربلا زندگی کردند؛ البته دوران ، دوران خفقان و مظلومیت ائمه هست که بلدید... من دوست دارم در بحث امشب لیست کنم کارهای حضرت را قبل این کار انجام شده ، منتها متفاوت با بحث امشب است.

امام هفت کار را انجام داده اند؛ در نظر بگیری یک آقایی در حبس در حصر و در خفقان، غیرآزاد و با احتیاط کامل، می خواهد کار کند، فضا برای امام سجاد فضای خفقان است.

اولین کاری که امام انجام داده اند، بیان معارف و بیان احکام و بیان آن چه که می توانیم اسم آن را اسلام بگذاریم؛ ممکن است کسی بگوید این کارها را یک روحانی یا یک مرجع هم می تواند انجام دهد، ولی دوست دارم دقت کنید...دوست دارم بحث ما تاریخی شود...

دوران امام سجاد دورانی است که همه چیز به هم ریخته است شما یک مدرسه یا یک شهر را در نظر بگیرید، که هیچ چیز سر جای خود نباشد، این را در نظر داشته باشید که حادثه عاشورا یک دفعه رخ نداد از وقتی پیامبر رحلت فرمودند و امامت انتصابی کنار رفت و امامت انتخابی آمد و آن خشت کج بنا نهاده شد، انحراف شروع شد. یعنی امامت سرجایش نیست؛ نبوت سر جایش نیست؛ کل معارف یهود در متن جامعه ما آمده بود. یک عده قصه گو مثل تمیم الداری مثل دیگران بیایند و از یهود و زمسیحیت در نماز جمعه قصه بگویند زمان عثمان دیدند هفته ای یکروز کم است، گفتند وسط هفته هم بیایند قصه بگویند؛ لذا قصه هایی که در دل تاریخ آمده بعضا توسط همین قصاصین آمده است. کی این ها دارد رخ میدهد زمانی که اگر کسی یک حدیث از پیامبر بیان کند، باید مجازات شود! اما آن طرف آزاد است. تصور و تعریف از پیامبر با حقیقت معنای آن متفاوت است و از خدا همچنین.... فضا یک چنین فضایی است. یک خدای گوشت آلود پشم آلو که جسمانیت دارد که روز قیامت می آید پایین و دست خلیفه اول را می گیرد و بالا میبرد!

بعد آمدند جبرگرایی را تبلیغ کردند و قرآن توسط همین افراد تفسیر می شود؛ بنابراین تعجبی ندارد وقتی می شنویم که همین ها امام را به شهادت رسانیده اند....در سایه انحراف در امامت همه چیز به هم ریخت.... این مثل این می ماند که کشتی در یک تلاطم امواج دارد می رود و ناخدای دانا را کنار می گذارند و دست کودک میدهند در داستان سقیفه چنین واقعه ای رخ داد؛ یکی از همین خلفا وقتی حالت جنابت به او دست داد، می خواست تیمم کند رفت یک انباری از خاک درست کرد و غلطید در خاک! و گفت این تیمم است بدل از غسل است یعنی آیه تیمم را حتی بلد نیست؛ آن هم فلسفه جبری که تبلیغ می کردند و آن هم تفسیر قرآنشان! و آن هم توصیف پیامبر! در یک کلام باید گفت وضعیتی است که هیچ چیز جای خودش نیست!

حالا یک فرصتی امام سجاد پیدا کردند فرصت سی و چهار سال فرصت خوبی است این فرصت را نه امام حسن داشتند نه امام حسین نه امام علی علیه السلام در این فرصت سی و چهارساله امام سجاد برخی احکام و معارف را بیان کردند.

یکی از کارهای ایشان این رساله حقوق امام سجاد علیه السلام است. یادم است سال گذشته از همین رساله حقوق یاد شد، و گفتم اگر واقعا این رساله باز شود دهها پایان نامه و کتاب از دل آن استخراج می شود و لذا اگر کسی صدای من را می شنود این کار ارزشمند است این رساله قابلیت پخش و نشر در جهان دارد اگر کسی نداند این رساله منسوب به امام سجاد است نمی تواند بفهمد که متعلق به گوینده از کدام مسلک و مذهبی است از بس جامع و کامل و جهانی است... مثل دعای کمیل است؛ ما می دانیم متعلق به امام علی است و کسی نداند مال کیست ممکن است فکر کند منسوب به یک عالم مسیحی است... یا یک عارف یهودی یک عارف سنی یا عارف مجوسی یا یک هندویست بگوید... ما با رساله حقوق امام سجاد علیه السلام با دنیا می توانیم ارتباط برقرار کنیم.... من هر جا یک وقت مصاحبه بوده به مسئولین گفتم ما برای دنیا چیزی به عنوان تحفه اگر بنا باشد داشته باشیم، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام است... و یکاش فکرها به این طرف می رفت ما با تولید سلاح که نمیتوانیم ارتباط با دنیا برقرار کنیم؛ نهایتا بتوانیم از خودمان دفاع کنیم یا با برخی مسائل... با دنیای فرهیختگان و با دنیای عارفان، با دنیای صاحب دغدغه فقط با اخلاق میتوان صحبت کرد... البته بی انصافی نشود جمهوری اسلامی کاری کرده اما بین آن چه هست و آنچه باید باشد، فاصله هاست.

ولی اگر این رساله شرح داده می شد و به زبانهای مختلف ترجمه می شد، و در دنیا منتشر می شد آن موقع معلوم میشد شیعه چیست و ما را به بهترین شکل می شناختند... یک مقدار کار شده اما خیلی هنوز مانده است.... شاید کسانی که عهده دار روابط بین الملل بودند شاید کمتر روی این جریان تمرکز داشتند؛ بیان حقوق، بیان اخلاق و بیان احکام و در یک کلام بیان اسلام بدون انحراف..

دوم انشای دعا ؛ ما شش صحیفه که در واقع ادب دعاست ما از امام سجاد داریم یعنی امام سجاد دیدند یک وسیله و ابزاری که میتوانند با آن اسلام را نجات دهند ، دعا بوده است....امام سجاد هدفمند انشای دعا می کند....شما جمله های صحیفه سجادیه را ببینید...هم دعاست هم مساله سیاسی است هم مساله اجتماعی است هم بیان معارف است ؛ هم بیان حقوق است این کار دومی است که امام سجاد کردند....آقای دکتر ادريس السماوی یک عبارتی درباره صحیفه امام دارد؛ می گوید هنگامی که صحیفه سجادیه را خواندم اگر مولف این کتاب می گوید حجت خداست ، نمی تواند دروغگو باشد این بیان یک استاد دانشگاه آمریکاست....ببینید یک تربیت شده حوزه نجف و قم نمی گوید....می گوید دعای صحیفه سجادیه نمی تواند از غیر حجت خدا باشد،

من در برخی صحبتها گفته ام ؛ میدانید در برخی کلیساهای مسیحیت عرب صحیفه سجادیه را می خوانند....این صحیفه را یک مسیحی در کلیسا یا یک یهودی در کنیسه ها یا بودایی ها در معابد خودشان می توانند بخوانند چرا که جهانی است و برای تمام ادیان است ...

کار سوم امام سجاد علیه السلام رسیدگی به محتاجان و مستمندان و بردگان بود معمولا می دانید کسی اهل تحقیق و دعا باشد کمتر کار اجتماعی می کند یا کسی که اهل مناجات باشد، کمتر در فکر فقر است ولی برای شما گفتند امام سجاد نفسا و مستقیما خود به فقرا کمک می کرد...و این را هم شنیدید که از بس امام به فقرا کمک کرده بود و بر دوش همیان حمل کرده بود، شانه های حضرت و پاهای مبارک او پینه بسته بود... از تاریخ هم بر می آید که وضعیت مالی حضرت هم مناسب بوده است....در واقع حضرت یک دستگاه درست کرده بودند برای آزادی بردگان....آن زمان زمانی است که برده وجود دارد امام سجاد یک برده را می خردند و یک چند روز او را نگاه می دارند و این نفس سجادی به او می خورد و او را منقلب می کرد و بعد به او می گفتند که تو را در راه خدا آزاد کردم و باز عبادت امام علیه السلام در نقل هاست که ایشان در روز هزار رکعت نماز می خواندند ...این که این عدد واقعی است یا مبالغه هست، کار ندارم اما این را می رساند که انسان برای ارتباط خودش با خدا حساب باز کرده است؛ آن هم نمازی که وقتی امام به آیه مالک یوم الدین میرسد به حسب برخی روایات، آمده شصت مرتبه

تکرار میکرده است....!! برخی به گونه ای هستند که وقتی وارد نماز می شوند ، نماز وارد وجود چنین اشخاصی می شود.... و برخی دیگر جداست یعنی می شود کارش بنده و امثال بنده میشود مثل کار... اما اگر یک انسانی نماز در وجودش برود و به نماز تعریف شود ، گاهی اوقات انسان کاری که می کند به شکلی است که گویی تمام بدنش دارد حرف میزند ؛ و در مقابل دیدید که یک کسی گاهی به زور با دیگری حرف می زند، اما اگر یک عاشقی در مقابل معشوقش حرف بزند، فرق دارد یا نه؟!

قرآن چه تعبیر زیبایی دارد وقتی میفرماید: **وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ**

اهل ادب دقت کنند، می گوید لکن البر نمی گوید لکن البر، یا برخی گفتند ذا البر که ذا مقدر است ! یا دیگری تفسیر دیگری کرد، این ها را باید کنار گذاشت... قرآن که سوبسید نمی خواهد؛... امام سجاد وقتی می گوید مالک یوم الدین، با تمام وجود می گوید مالک یوم الدین این عبادت است وقتی می گوید ایاک نعبد وایاک نستعین با تمام وجود می گوید فقط زبان نیست، عقل و روح و جسمش هم می گوید و دروغ هم نمی گوید....

کار پنجم امام ، حراست از پیام عاشورا....؛ یعنی چه ؟ عاشورا سال 61 در یک بیابان واقع شد که باید این پیام را حفظ کند و ببرد کوفه و شام و مدینه و بعد با واسطه به ایران و مصر بیاید و برود کشورهای اسلامی ؟ این کار به عهده امام سجاد گذاشته شد... رساندن پیام عاشورا به آیندگان و ماندگار کردن آن و نقش اصلی با امام سجاد بود و لذا امام بدون اینکه بهانه به دست بهانه جوین بدهند از این پیام پاسداری کردند....

کار ششم امام اخلاق بود؛ من در صحبت های جای دیگر گفته ام که حادثه عاشورا هم احساس داشت هم حماسه و اخلاق این را هم به شما بگویم که هیچ چیز مثل اخلاق ماندگار نیست و دلها را تسلیم نمی کند.... این مورد را بگویم و مورد هفتم را فاکتور می گیرم مردم مدینه علیه یزید، قیام کردند، شورش کردند و معمولاً هم این شورشها زیر نظر امام نبود لذا ائمه با این که این ها علیه یزید بود ولی تایید نمی کرد و مروان بن حکم استاندار یزید هست وقتی مردم علیه یزید قیام کردند ، استاندار او اولین کسی بود که رفتند سراغش و مروان هم قلمبه دشمنی و تجسم

عینی و واقعی دشمنی با اهل بیت بود، خیلی خبیث هست!! تا روز آخرش هم دشمن بود... مردم قیام کردند و زن و فرزندان همه درخطر بودند و پناهنده شد به عبدالله بن عمر که رفیقش بود... اما او اعتنایی نکرد!... خبر به امام سجاد رسید ، امام فرمودند بیاید در پناه ما باشد؛ تا وقتی غائله خوابید... تا چهارصد نفر به امام پناهنده شدند وزن مروان دختر عثمان است می گوید تازمانی که ما در پناه علی بن حسین بودیم، از خانه خودمان بهتر پذیرایی و رسیدگی کردند ...

ایکاش مسئولان و کارگزاران ما یاد می گرفتند روحانیت و رسانه همه و همه اخلاق امام سجاد را یاد می گرفتیم... شب مصیبت و عزا است ؛ خیلی سخت است آدم گاهی فکر می کند ما ها از بس شنیدیم برایمان عادت شده است... همین امروز ببینید چه بر آن ها گذشته است.... عمر سعد عجله هم دارد اما نانجیب ها چرا این کار کردید؟ چرا زیر سم اسبان له کردید؟! جنازه اباعبدالله را آمدند اول روی شکم خوابانیدند... دست و سر که ندارد آمدند روی سینه خوابانیدند و با اسب روی کمر اباعبدالله دواندند کمر شکست آمدند جنازه را برگرداندند روی کمر.... و کوبیدند امروز که می خواهند حرکت کنند می آیند اسرا را کنار جنازه ها عبور دادند چه اصراری است؟ اما به هر حال این کاری است که صورت دادند.... این دوران اسارت دوران عجیبی است چیزی که من را خیلی می سوزاند بچه هایی بودند که اسیر بودند وقتی می بینیم بچه دختر یا برهنه و یک نفر هم با شلاق بر این ها مسلط اند ... اما این حوادث باید واقع شود ... با عمق جانمان بگویم

اللهم اللعن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک

السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التي حلت بفنائک علیک منی سلام الله ابدًا ما بقیت و بقی اللیل و النهار

ولا جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم السلام علی الحسنین و علی بن الحسنین و علی اولاد الحسنین و علی

اصحاب الحسنین